

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵

## تحلیل انتظارات روستاییان شهرستان کرمانشاه از شوراهای اسلامی روستا

عبدالحمید پاپ‌زن، امیرحسین علی‌بیگی\*

### چکیده

جامعه آماری این پژوهش را روستاییان سرپرست خانوار ساکن روستاهای دارای شوراهای اسلامی شهرستان کرمانشاه تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، ۳۲۰ نفر از آنها به صورت نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار اصلی پژوهش، عبارت است از پرسشنامه‌ای شامل دو بخش «مقیاس سنجش انتظارات روستاییان» و «ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای آنها». بر اساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین انتظارات روستاییان از شوراهای اسلامی به ترتیب عبارت‌اند از: برقراری نظافت عمومی روستا، مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه، و همکاری با نیروی انتظامی جهت برقراری امنیت روستا. رضایت شغلی و رضایت زندگی روستاییان ۲۴ درصد از تغییرات مربوط به انتظارات آنها از شوراهای اسلامی را تبیین می‌کنند. توجه شوراهای اسلامی روستا به انتظارات مردم در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی نرخ ماندگاری مردم را در روستاها افزایش می‌دهد و زمینه مشارکت واقعی آنها را برای تحقق توسعه روستایی فراهم می‌سازد.

کلید واژه‌ها: شوراهای اسلامی روستایی / کرمانشاه (شهرستان) / روستاییان.

\*\*\*

---

\* استادیاران دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی و اعضای مرکز پژوهش و تحقیقات توسعه اقتصادی - اجتماعی

**مقدمه**

پیدایش هر نهادی در جامعه، اذهان عمومی را متوجه ضرورت وجودی آن می‌سازد و در واقع، هیچ نهادی در جامعه شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه جای خالی و ضرورت آن احساس شده باشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تا چنین مقدمه‌ای فراهم نشود، هیچ نهادی پایدار نمی‌ماند. پدیده تفکر شورا و نظام شورایی کشور در چندین سال قبل و تجربه عملی آن در سال‌های اخیر، از این ضرورت حکایت دارد و بیانگر خواست پنهان و آشکار جامعه و مردم در جهان نوین امروزی برای برخورداری از نهادهای مدنی مناسب با اقتضائات این عصر تلقی می‌شود. نکته مهم آن است که تفکر شورا و نظام شورایی، همانند دیگر مفاهیم جوامع نوین و مدنی، نه فقط یک فرصت و انتخاب بلکه یک مرحله از رشد فکری و فرهنگی هر جامعه به شمار می‌آید. مشارکت واقعی مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی، اجرا، و ارزشیابی پیامدهای یک برنامه از مفاهیم مهم و باارزشی است که تحقق تفکر و نظام شورایی را میسر می‌سازد. براین اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در راستای بسترسازی برای تحقق به مشارکت واقعی مردم در سرنوشت خود و اجرای دموکراسی به معنا و مفهوم واقعی آن، ابزارهایی را تدارک دیده است. نکته مورد بررسی در مقاله حاضر این است که مردم و به‌ویژه روستاییان توقعات و انتظاراتی از شوراهای اسلامی دارند. شناخت این انتظارات می‌تواند به برنامه‌ریزان و مجریان کمک کند که برخورد مسئولانه و همراه با آگاهی از واقعیت‌ها داشته باشند.

«توقع» و «انتظار داشتن» در لغت نامه دهخدا به معنای چشم داشتن و امید و آرزو آمده است. ساروخانی (۱۳۷۵) معتقد است که «توقعات» معرف دیدگاه زمانی یک فرد است که دامنه آن به آینده کشیده می‌شود. به این معنا که عقاید و ایستارهای شخصی را درباره آنچه که اتفاق خواهد افتاد، همراه با مقاصد و نقشه‌های او در بر بگیرد. فرجی (۱۳۵۳) توقع را میزانی می‌داند که اندازه خواست را تعیین می‌کند. او به دو دسته «توقعات اصیل» و «توقعات عاریتی» اشاره دارد. بنا بر عقیده ایشان، توقعات اصیل به اعماق و بافت فرهنگی

ارتباط دارد و پاسخگوی نیازهای واقعی است، در حالی که توقعات عاریتی با فرهنگ جامعه نامتجانس است. هرسی و بلانچارد (۱۳۷۱) انتظارات را به عنوان ادراک و تلقی فرد از احتمال ارضای یک نیاز خاص براساس تجارب گذشته می‌دانند.

تجارب جهانی در خصوص موقعیت روستاها در توسعه جامع کشورها و ضرورت توجه به روستاییان و فرار دادن توسعه روستایی در کانون توجه تصمیم‌سازان از اهمیت نقش روستاییان در فرآیند توسعه حکایت دارد.

واکرز ویل (Walkers Vill, 2005) معتقد است که مناطق روستایی و محلی همواره دریافت‌کننده برنامه‌های بنیادها و دولت به شمار می‌روند و این بیم وجود دارد که با این رویکرد، جریان حمایت‌های مالی ادامه پیدا کند. این رویکرد دستیابی به استقلال روستاها را خدشه دار می‌کند. البته شرایط روستا در حال تغییر است، به طوری که این تغییرات بر نگرش و انتظارات مردم تأثیر می‌گذارد. برخی از این عوامل تأثیرگذار عبارت‌اند از: حمایت از روستا، میزان عدم ثبات محیط روستا، و اطمینان از ارایه خدمات لازم (Allen, J. C.; R. Vogt and S. Ko, 1991).

برخی از صاحب‌نظران عقیده دارند که نیمی از قرن گذشته صرف کوشش‌هایی شده است که بتوانند در اقتصاد ملی، تعریف جدیدی از نقش مردم مناطق روستایی ارائه نمایند و نشان دهند که مشارکت مردم روستایی به مراتب بیشتر از نقش آنها در درآمد ملی پیشنهادی است (Drabenstott, 1999; Hansen, 2000; Castle, 1985; Swenson, 2000). در هر حال، مردم روستایی از مجموعه نهادها و دولت محلی، توقعات و انتظاراتی دارند. شافر (Shaffer, 1989) در مورد این انتظارات می‌گوید: «افزایش سطح درآمد، اشتغال، کاهش تغییرات درآمدی برای گروه‌های مختلف مردم، دسترسی به بهداشت و سلامت، دسترسی به آب بهداشتی، افزایش فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ای، افزایش کیفیت مسکن، حیات مجدد مردم فقیر، ایجاد سد برای جلوگیری از سیل و غیره از جمله توقعاتی هستند که اگر مورد توجه قرار گیرند، ماندگاری مردم محلی روستا را بیشتر می‌کند».

در بسیاری از موارد، عوامل منفی بیشتر اثرگذار هستند؛ چرا که روستا و مردم روستایی تحت تأثیر فشارهای بیرونی هستند (Freshwater, 2000). چه بسا کارسپاری به مردم و نهادهای محلی روستایی یکی از راه حل‌های تقلیل این فشارها باشد؛ یعنی باید به گونه‌ای عمل شود که فاصله مناطق روستایی با مناطق شهری کاهش یابد. سوان سون (Swenson, 2000) معتقد است تا زمانی که سازمان‌های بیرون از روستا، نقش کم‌رسان و تصمیم‌گیر برای روستا داشته باشند و به آنها اجازه ندهند که با یکدیگر کار کنند و تصمیم بگیرند، توسعه همه‌جانبه روستایی محقق نخواهد شد. در واقع، مشارکت در تمامی جنبه‌های آن از جمله منافع، تصمیم‌گیری، اجرا، و ارزشیابی، محوری‌ترین شاخصه توسعه روستایی موفق است. شایان ذکر است که حمایت از فرآیندهای مستمر مشارکت (که در آن، افکار و آرمان‌های مردم و امکانات مادی و مهارت‌های مدیریتی آنها مدنظر قرار گیرد) باید ساختار و نقش‌های سازمانی ایجاد کرد (بنار، ۱۳۸۴). بدیهی است که به منظور رسیدن به توسعه روستایی، توسعه نهادی، سرمایه‌گذاری در زیربناها، بهبود فرصت‌های شغلی و درآمدی، اصلاح قوانین پایه اقتصادی، حفاظت از منابع، عدالت، برابری و امنیت ضروری است (RDP, 1997). همچنین، از نهادهای اجتماعی سنتی که می‌توان بدان اشاره کرد، شوراهای عشایری است که قبل از انقلاب با ترکیب و وظایف خاصی به کلیه مسائل کیفی و حقوقی رسیدگی می‌کردند (شاه‌ولی و باژیان، ۱۳۷۶). البته در واقع، دولت‌های محلی (مانند شوراهای اسلامی روستا)، نهادهایی انتخابی‌اند که مسئولیت‌های زیر را به عهده دارند:

- ارائه خدمات؛
- همکاری با سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های جامعه محلی و کارگزاران در راستای توجه به نیازها و اولویت‌ها؛
- مدیریت منابع و برنامه‌ریزی برای خدمات؛
- تصمیم‌گیری در مورد توسعه اراضی؛
- هماهنگی امور محلی با دولت مرکزی؛ و

• اطمینان از پیش‌بینی نیازهای مردم فقیر روستایی در برنامه‌ها (RDP, 1997).

نمونه‌های مشخصی از همکاری و مشارکت در جامعه روستایی ایران را می‌توان در واحدهای بهره‌برداری جمعی و سنت‌های مشارکتی در امور اجتماعی و فرهنگی جستجو کرد. برخی از نهادهای مشارکتی، مانند بُنه، صحرا، حراثه، پاگو و غیره، نمونه‌هایی از تشکل‌هایی به شمار می‌روند که در طول قرن‌ها تداوم یافته‌اند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۶). بعد از پذیرش اسلام در مناطق ایران، تشکل‌هایی مانند شوراها، مزارعه، مضاربه، تعاون، وقف، مشاع و غیره شکل گرفته و سبب به وجود آمدن واحدهای جمعی و مشارکتی در جامعه شده است. در حال حاضر، به نقل از انصاری (۱۳۷۵)، سنت‌های مشارکتی حداقل از نوع مشارکت‌های فرهنگی و اقتصادی هنوز به قوت خود باقی است که می‌توان از طریق شناخت و بازنگری آنها، در جهت مشارکت‌های تصمیم‌گیری و اجرایی استفاده کرد.

در اینجا، بحث اصلی آن است که این توقع و انتظار در حوزه یک فعالیت مشارکتی (شوراهای اسلامی روستا) کدام مقوله‌ها را در بر می‌گیرد. در زمینه مشارکت، تعاریف متعددی ارائه شده است، به طوری که طوسی (۱۳۷۰) معتقد است «مشارکت» به معنی درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنها را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت امور شریک شوند. علوی‌تبار (۱۳۷۹) بیان می‌کند که مشارکت، افراد را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت بپذیرند. قاسمی (۱۳۷۸) مشارکت را هم‌تراز با اختیار دادن به توده مردم و تحکیم قدرت آنها قرار می‌دهد و سه عنصر اصلی را برای مشارکت در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از: تهیه قدرت و منابع کمیاب، کوشش‌های آگاهانه و عمدی گروه‌های اجتماعی برای کنترل سرنوشت و بهبود شرایط زندگی خویش، و ایجاد فرصت‌ها از سطوح پایین. میسرا (۱۳۶۵) معتقد است که «مشارکت»، یعنی رشد توانایی‌های اساسی بشر مانند شأن و منزلت انسانی و مسئول‌سازی بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل که سنجیده و از روی فکر باشد.

بسیج مردم در اجرای پروژه‌های بالا دست، تمرکز زدایی در ساختار دولتی و اختیار دادن به جدا افتادگان و محرومان، سه گرایش کلی برای رشد ظرفیت و استعداد های محرومان و افزایش نقش آنها در تصمیم گیری‌های مربوط به سرنوشت خود خواهد بود (خاتون‌آبادی، ۱۳۷۹).

مهم‌ترین زیرساخت‌های محلی مشارکت عبارت‌اند از: وجود انگیزه مشارکت، وجود حس مسئولیت در مردم، شناسایی مزیت نسبی، توانمندی و منابع محلی و شکل‌گیری اتحادیه‌ها و سندیکاها (قاسمی، ۱۳۷۸). البته چه بسا تأکید بر تشکل‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، و صنفی منطقی‌تر به نظر آید؛ چنان‌که در مدل مشارکتی موشی (Mushi, 1989) چهار مرحله برای جلب مشارکت روستاییان در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از ایدئولوژی مشارکت، مؤسسات مشارکتی (احزاب، شوراهای اتحادیه‌ها)، اطلاع‌رسانی و آموزش، و تأمین منابع در توسعه، باید مشارکت در تمامی سطوح روستا، دهستان، شهرک، شهر، استان و کشور و در تمامی مراحل تصمیم‌گیری، نظارت، اجرا، ارزشیابی، و بهره‌مندی از منابع طرح‌ها و پروژه‌ها) به صورت همه‌جانبه در نظر گرفته شود؛ چرا که بنا به تعریف مشارکت از دیدگاه ابراهیم‌زاده (۱۳۷۳) به نقل از محمودی‌نژاد آمده است: «مشارکت را می‌توان طریقی جهت افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مندی از ثمرات آن تعریف کرد».

حال باید دید که «شوراهای اسلامی روستا» که از ابتدای تشکیل به صورت نهادی در جهت تحقق و گسترش مشارکت روستاییان در اداره امور روستاها و توسعه روستایی قرار گرفتند و اساس فعالیت خود را بر این مبنا قرار دادند که روستاییان می‌توانند در مسیر توسعه و سازندگی دارای نقش تعیین‌کننده باشند، از دیدگاه خود روستاییان، چگونه تعریف می‌شود. ملک‌محمدی (۱۳۷۷) معتقد است «شورا» را می‌توان نوعی قرینه‌سازی فکری و عقلی در تلفیق اجزای نظام اجتماعی دانست. ازکیا (۱۳۶۲) شورای اسلامی روستا را نهادی مشارکتی می‌داند که از طریق آن، تلاش مردم روستایی به منظور

بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام و هماهنگ می‌شود و از نمایندگان اقشار عمده ده تشکیل می‌گردد. این شورا رابط بین دولت و روستاییان بوده و به منزله مرجع رسمی ده به شمار می‌آید. گفتنی است که بسیاری از نظریه‌پردازان و متفکران، در دوران طولانی، با مسئله عدم تمرکز و سپردن اختیارات به مسئولان محلی موافقت نداشتند (مدنی، ۱۳۷۷). اگر چه یکی از مهم‌ترین شرایط لازم برای مشارکت روستاییان، امکان برخورداری آنها از میدان فعالیت و کار است؛ ولی بسیاری از مأموران اجرایی دولت در سطوح پایین به واگذاری امور به مردم تمایل چندانی نداشته و اشتیاق فراوان به قدرت نمایی و خود را نماینده دولت دانستن و سوء استفاده از روحیه اطاعت‌پذیری روستاییان، زمینه ایجاد توقع تسلیم و تکریم هر چه بیشتر روستاییان را در آنها تقویت کرده است؛ و از این رو، حاضر نیستند که روستاییان تصمیم‌گیرنده و حاکم بر سرنوشت خود باشند (طالب، ۱۳۷۴). البته شوراهای بسترساز اصلاح و تغییر این‌گونه تفکرند. از سوی دیگر، شاید سودمندترین نظام تصمیم‌گیری، ترکیبی از نوعی مجمع است که تمامی اعضا را در بر گیرد و به گونه‌ای ساختار کمیته‌ای است که در آن، مسئولیت مدیریت را بتوان با حضور تعداد اندکی از افراد منتخب و پاسخگو تعیین کرد (بنار، ۱۳۸۴) (این ساختار با تعاونی سازگاری کامل دارد).

با توجه به این نظریه‌های مخالف، شوراهای می‌خواهند و باید بتوانند در هدف‌سازی، برنامه‌ریزی، ارزیابی، تشخیص و پیگیری فعالیت‌ها و در همه سطوح فعالیت کنند. بندهای ۸، ۹، ۱۲ و ۱۵ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظایف شوراهای را مشخص کرده است و همچنین، اصل ۶ این قانون یکی از پایه‌های مهم استقرار شوراهای اسلامی در کشور به شمار می‌آید. در واقع، اوج طرح مسئله شوراهای در قانون اساسی در اصل ۷ لحاظ شده است. اصول ۸، ۱۲، ۴۳، ۴۴ و ۵۰ قانون اساسی به مواردی از جمله وظایف شوراهای اشاره دارند. در خصوص اهداف این شوراهای، می‌توان به مواردی از قبیل تشخیص و تعریف دقیق نیازهای اساسی اهالی محل به ترتیب اولویت، بسیج امکانات مادی و معنوی ساکنان روستا و بهره‌برداری حداکثر از آنها،

توزیع عادلانه تر کالاها و خدمات دولتی بین گروه‌های مختلف روستاییان و عشایر و ایجاد انگیزه فعالیت و رضایت بیشتر اهالی و همبستگی آنها با دولت و ارگان‌های وابسته اشاره کرد. ابراهیم‌زاده (۱۳۷۳) معتقد است که چنانچه شوراهای اسلامی روستا دارای یک سازمان و تشکیلات مشخص و مدون، و نیز بودجه مشخص و مستقلی باشند و از اختیارات لازم در به‌کارگیری نیروها و تخصص‌های لازم به مثابه بازوی اجرایی و تخصصی برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، عمرانی، بهسازی و امور مربوط به دعاوی حقوقی میان روستاییان و خانواده‌ها برخوردار باشند، می‌توانند در موفقیت شوراهای اسلامی روستا چشم‌انداز روشن‌تری را تبیین نمایند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، قانون اساسی، بحث‌های نظری و کارشناسی و نظریه‌های زیادی پیرامون نظام شورایی و مشارکت واقعی مردم تدوین و مطرح شده است. البته مهم‌ترین موضوع، دیدگاه مردم در این رابطه و چگونگی برخورد با آن است که این نوشتار براساس یافته‌های یک پژوهش میدانی و پیمایشی در شهرستان کرمانشاه، آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

### مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی به شمار می‌آید. جامعه آماری این پژوهش توصیفی - همبستگی را روستاییان سرپرست خانوار ساکن روستاهای دارای شورای اسلامی شهرستان کرمانشاه تشکیل می‌دادند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان<sup>(۱)</sup> محاسبه شد (n=۳۲۰). در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای استفاده شد؛ به طوری که ابتدا از میان ۱۱ دهستان شهرستان کرمانشاه، بر اساس تعدادی از شاخص‌های کالبدی و انسانی، سه دهستان میان‌دری، ماهیدشت و جلالوند انتخاب و در مرحله دوم، ۱۰ درصد از ۳۰۰ آبادی این دهستان‌ها به صورت تصادفی مد نظر قرار گرفتند. سپس، با توجه به حجم جامعه در هر یک از روستاهای منتخب، اعضای نمونه مشخص شدند.



ابزار اصلی پژوهش، پرسشنامه‌ای در دو بخش (۱) مقیاس سنجش انتظارات روستاییان از شوراهای اسلامی روستا و (۲) ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای مردم روستایی بود که توسط پژوهشگران طراحی و تدوین شد.

روایی ظاهری<sup>(۲)</sup> و محتوایی<sup>(۳)</sup> ابزار پژوهش با استفاده از نظرات پانل متخصصان و پس از انجام اصلاحات لازم به دست آمد. به منظور تعیین پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای بخش اول پرسشنامه برابر با ۰/۷۶ به دست آمد که نشانگر پایایی بالای مقیاس تهیه شده بود. پرسشنامه تأیید شده با استفاده از روش مصاحبه حضوری توسط ۳۲۰ نفر از جامعه آماری تکمیل شد که از بین پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، ۳۰۴ پرسشنامه قابل بهره‌برداری بود. پردازش و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS12 صورت گرفت.

### ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان

براساس داده‌های تحلیل شده، متوسط سن افراد مورد مطالعه، ۴۰ سال بوده است و به طور میانگین چهار فرزند داشته‌اند و صرفاً ۱ درصد آنها دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بودند. ۲۹ درصد، سواد خواندن و نوشتن نداشتند. شغل اصلی ۵۷/۵ درصد از روستاییان مورد بررسی کشاورزی بود و بقیه آنها مشاغلی مانند دامداری، رانندگی، و کارگری داشتند. این افراد به طور متوسط، ۳ ساعت در شبانه روز از تلویزیون و ۲ ساعت از رادیو استفاده می‌کردند.

همچنین، در حدود ۶۳/۵ درصد از افراد پاسخگو یا اصلاً با مراکز دولتی چون مرکز خدمات جهاد کشاورزی و خانه بهداشت ارتباط نداشتند و یا حداکثر یک بار در ماه به این مراکز مراجعه می‌کردند. میزان مراجعه بقیه نیز ۲ تا ۳ بار در ماه بوده است. میزان عضویت روستاییان در تعاونی‌های موجود در منطقه که می‌تواند به عنوان شاخصی بر احساس وجود روحیه مشارکت و توسعه طلبی آنها باشد و از عوامل تعیین‌کننده در نگرش نسبت به شوراها به شمار آید، بسیار پایین گزارش شد. ۴۱ درصد از افراد در

هیچ شکل تولیدی یا خدماتی اعم از تعاونی تولید، تعاونی گاوداران، تعاونی گوسفندداران و تعاونی مرتع داران و حتی تعاونی مصرف عضو نبودند و بقیه حداکثر در یک یا دو تشکل عضویت داشتند.

نتایج به دست آمده از تحلیل پاسخ های افراد به مقیاس سنجش رضایت از زندگی، همسر و فرزندان و اعضای شورا بدین ترتیب بود: ۲۴ درصد از زندگی خود در حدّ زیاد و خیلی زیاد و ۳۹ درصد در حدّ کم و خیلی کم راضی بودند. بقیه آنها این میزان را در حدّ متوسط برآورد کردند. میزان کلی رضایت از همسر و فرزندان در حدّ زیاد برآورد شد. میزان رضایت از اعضای شورای اسلامی روستا از ۵، عدد ۳/۷ را به خود اختصاص داد. ۳۸ درصد از بررسی شوندگان اذعان داشتند که تمامی اعضای شورای اسلامی روستای آنها با وظایف خود آشنایی دارند. ۲۲ درصد افراد اعضای شورا را با صلاحیت ندانستند؛ بقیه شرکت کنندگان در مطالعه برخی از اعضا را با صلاحیت و برخی دیگر را بدون صلاحیت ارزیابی کردند.

#### انتظارات روستاییان از اعضای شوراهای اسلامی روستا

انتظارات روستاییان از شوراهای اسلامی روستا به ترتیب و با ذکر میانگین و انحراف معیار در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار میزان انتظارات روستاییان از شوراهای اسلامی روستا

رتبه	انحراف معیار	میانگین	انتظار	ردیف
۱	۰/۸۷	۴/۴	برقراری نظافت عمومی روستا	۱
۲	۰/۹۰	۴/۲	مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه	۲
۳	۰/۹۱	۴/۲	همکاری با نیروی انتظامی برای برقراری امنیت	۳
۴	۰/۷۹	۴/۱	حل اختلافات موجود بین روستاییان	۴
۵	۰/۸۱	۴	ارتقای فرهنگی از طریق تأسیس کتابخانه و تجهیز آن	۵
۶	۰/۷۷	۳/۷	برقراری ارتباط مناسب با ادارات مرتبط با توسعه روستایی	۶
۷	۰/۸۱	۳/۶	واسطه‌گری اخذ وام موردنیاز روستاییان	۷
۸	۰/۸۹	۳/۲	کمک به مستمندان از طریق مساعدت اهالی	۸
۹	۰/۹۳	۳/۲	تهیه نهاده‌های کشاورزی موردنیاز روستاییان	۹
۱۰	۰/۹۶	۳/۲	مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری	۱۰
۱۱	۰/۸۱	۳/۱	بازاریابی تولیدات روستایی	۱۱
۱۲	۰/۸۲	۲/۸	برگزاری دوره و کلاس‌های ترویجی	۱۲
۱۳	۰/۷۹	۲/۷	ایجاد تشکل‌های تولیدی و خدماتی در روستاها	۱۳
۱۴	۰/۹۷	۲/۵	ارتقای سطح سواد روستاییان از طریق برگزاری کلاس‌های سوادآموزی	۱۴

براساس جدول ۱، مهم‌ترین انتظارات روستاییان از شوراهای اسلامی روستا به ترتیب برقراری نظافت عمومی روستا (شامل جمع‌آوری و دفع زباله‌های خانگی و جلوگیری از جریان فاضلاب در معابر)، مدیریت بحران و کمک به روستاییان در هنگام

وقوع بلایای طبیعی و اتفاقات غیر مترقبه، و همکاری با نیروی انتظامی جهت برقراری نظم و امنیت اجتماعی در روستاها بوده است. میزان انتظار شرکت کنندگان در مطالعه از شوراها در زمینه‌های یاد شده در حدّ زیاد برآورد شد. همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، توقعاتی مانند ارتقای سطح فرهنگ جامعه از طریق کتاب و کتابخوانی که یک انتظار فرهنگی به شمار می‌آید و کمک به حل اختلافات معمول بین مردم (به منظور جلوگیری از کشیده شدن این اختلافات به مقامات انتظامی و قضایی)، به عنوان یک انتظار اجتماعی در حدّ زیاد بود.

انتظارات روستاییان موردنظر این پژوهش، در مقوله‌های کمک به افزایش سطح سواد روستاییان از طریق برگزاری کلاس‌های سوادآموزی، ایجاد تشکل‌های تولیدی و خدماتی در روستاها، برگزاری دوره و کلاس‌های ترویجی و ... کمتر از سایر مقوله‌ها بود. به عبارت دیگر، آنها معتقد بودند که این موارد جزو وظایف نهادهای دیگر است و شوراها صرفاً باید با این نهادها همکاری کنند.

#### عوامل مؤثر بر انتظارات روستاییان از شوراهای اسلامی روستا

به منظور شناسایی عوامل مؤثر یا متغیرهای پیش‌بینی کننده انتظارات روستاییان، از رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- متغیرهای مؤثر بر انتظارات روستاییان از شوراهای اسلامی روستا براساس تحلیل

#### رگرسیون گام به گام

مدل	مقدار B	خطای معیار	مقدار بتا	t	سطح معنی‌داری
(مقدار ثابت)	۱۰/۶۶	۰/۰۳	-	۱۷/۰۷	۰/۰۰۱
رضایت شغلی	۲/۲۱	۳/۳	۰/۸۸	۴۳/۴۵	۰/۰۳
رضایت از زندگی	۱/۲۷	۰/۰۷	۰/۲۵	۶/۷	۰/۰۴

ضریب همبستگی چندگانه (R) در این تحلیل رگرسیونی برابر ۰/۴۹ و ضریب تعیین ( $R^2$ ) با ۰/۲۴ برابر شد. بدین ترتیب، متغیرهای موجود در مدل رگرسیونی به دست آمده در کل ۲۴ درصد از تغییرات انتظارات روستاییان از شوراهای اسلامی روستا را به خود اختصاص می‌دهند. از میان دو متغیر وارد شده در مدل، متغیر رضایت شغلی اهمیّت بیشتری در پیش بینی انتظارات افراد مورد مطالعه داشته است. جدول ۳ ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین را برای متغیرهای پیش‌گوی مذکور و متغیر وابسته انتظارات نشان می‌دهد.

جدول ۳- ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین متغیرهای پیش‌گو و انتظارات

روستاییان از شوراهای اسلامی روستا

متغیر تغییر در $R^2$	$R^2$	R	متغیر پیش‌گو
۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۴۱	رضایت شغلی
۰/۰۷	۰/۲۴	۰/۲۶	رضایت از زندگی

همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، از بین دو متغیر ذکر شده، متغیر رضایت شغلی سهم بیشتری را در میان واریانس انتظارات دارد (۱۷ درصد). بنابراین، می‌توان گفت یکی از عوامل شکل دهنده و تأثیرگذار بر انتظارات روستاییان از شوراهای اسلامی روستا، رضایت از شغل و سپس رضایت از زندگی به شمار می‌آید. ویژگی‌های دیگر از قبیل سن، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و سطح تحصیلات در تحلیل رگرسیونی وارد نشدند و این موضوع بدان معناست که برای پی بردن به عوامل تأثیرگذار در میزان انتظارات مردم از شوراهای اسلامی روستا به جز متغیرهای مذکور باید به دنبال عامل یا عوامل دیگری بود. ظاهراً سازوکار تعیین‌کننده سطح

توقعات مردم از شوراهای اسلامی پیچیده‌تر از آن است که بتوان با تجزیه و تحلیل‌های کمی بدان پی برد.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که از نتایج و یافته‌های پژوهش بر می‌آید، اصلی‌ترین انتظار مردم از شوراهای اسلامی روستا تأثیرگذاری فعالیت‌های آنها بر اشتغال و ایجاد رضایت شغلی است که از سوی، با نظرات شافر (Shaffer, 1989) سازگار است؛ چرا که ایشان معتقد است، مردم روستا از نهادهای دولتی و محلی توقع دارند که در زمینه‌های افزایش درآمد، اشتغال و... آنها را یاری کنند و از این طریق، موجبات ماندگاری آنها را در روستا فراهم سازند. از سوی دیگر، چون شوراها را به نوعی متصل به بخش دولتی می‌دانند، انتظار دارند که از این طریق، خدماتی را دریافت کنند که از منظر اخیر با نظرات واکرزویل (Walkersvill, 2005) انطباق دارد که البته مثبت تلقی نشده است و استقلال واقعی روستا را در پی نخواهد داشت. این نتیجه از منظری دیگر با نظر ابراهیم‌زاده (۱۳۷۶) هم‌جهت است؛ اگرچه او برآوردن نیازهای روستاییان را مشروط به وجود اختیارات لازم می‌داند.

نتایج نشان داد که رضایت از زندگی (که متأثر از انجام برخی خدمات شوراهاست) از عواملی است که بر انتظار مردم از شوراها اثر می‌گذارد. این نتیجه نیز با نظر شافر (Shaffer, 1989) سازگاری دارد.

از انتظاراتی که براساس نتایج پژوهش «در حدّ زیاد» برآورد شد، مدیریت بحران در زمان وقوع بلاهای طبیعی و غیرمترقبه مانند سیل بود که این نتیجه، نظرات شافر (همان) را تأیید می‌کند. البته اگر این انتظار مؤید رفع مشکل از طریق همکاری و همیاری خود مردم باشد، مثبت است؛ ولی اگر در امتداد اتکا به سازمان‌های دولتی باشد، همان چیزی است که سوان سون (Swenson, 2000) معتقد است؛ یعنی اگر مردم خود تصمیم‌گیرند و وابسته به دولت باقی بمانند، توسعه روستایی محقق نخواهد شد و در این

صورت، جنبه منفی پیدا خواهد کرد. بدیهی است همان‌طوری که RDP (1997) بیان می‌کند، به منظور رسیدن به توسعه روستایی، سرمایه‌گذاری دولت در جهت توسعه نهادی، زیربنای، بهبود فرصت‌های شغلی و درآمدی، اصلاح قوانین پایه اقتصادی، حفاظت از منابع، عدالت، برابری و امنیت ضروری است. این نظر با نتایج پژوهش در انتظار مردم از شوراها (اگرچه تشکل‌های دولتی نیستند) در مدیریت بحران و ایجاد امنیت کاملاً سازگار است.

برخی از نتایج بر انتظارات فرهنگی (مانند ترویج کتاب و کتابخوانی)، اجتماعی (کمک به حل اختلاف میان مردم)، و اقتصادی (کمک به افزایش درآمد مردم) تأکید دارد و انتظارات مردم از شوراها را «در حد زیاد» برآورد می‌کند که با نظرات ازکیا (۱۳۶۲)، ابراهیم‌زاده (۱۳۷۳) و با اصل ۸، ۱۲، ۴۳، ۴۴ و ۵۰ قانون اساسی مطابقت دارد.

در پایان، اگر چنانچه بخواهیم از نتایج و بررسی‌های انجام شده در فرآیند این پژوهش نتایج و ره‌آوردهای مشخصی را مورد تأکید قرار دهیم، باید گفت که توجه اعضای شوراهای اسلامی روستا به انتظارات مردم در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی، از یک سو، نرخ ماندگاری مردم را در روستاها افزایش خواهد داد و از سوی دیگر، فراهم‌سازی زمینه مشارکت واقعی همه روستاییان به کمک اعضای شورا که از بافت محلی‌اند، شرایط را برای تحقق توسعه روستایی فراهم می‌کند. بنابراین، شوراها به عنوان تشکل‌های مردمی مرتبط با بدنه سازمانی دولتی می‌توانند نقش به‌سزایی در توسعه روستایی ایفا کنند.

#### یادداشت‌ها

1. Krijcie-Morgan
2. face validity
3. content validity

## منابع

- ابراهیم زاده، ع (۱۳۷۶)، «مدیریت مشارکتی شوراهای اسلامی و نظام مدیریت روستایی در ایران». *فصلنامه پژوهش*. شماره دوم، ۴:۴.
- ابراهیم زاده، ع. (۱۳۷۳)، «مشارکت، تعاون و توسعه روستایی». *ماهنامه تعاون*. ۴:۴.
- ازکیا، م. (۱۳۶۲)، *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی در روستاهای ایران*. تهران: اطلاعات.
- انصاری، ا. (۱۳۷۸)، «نگرشی بر جامعه مدنی در ایران». *مجله علمی پژوهشی علوم انسانی اصفهان*. جلد ۱۰، شماره ۲.
- بنار، ر. (۱۳۸۴)، *شورا، تقویت حضور مردم و تمرکززدایی*. تهران: مهربرنا.
- خاتون آبادی، ا. (۱۳۷۸)، «با مشارکت انسانی و ارتباط دو سویه (چارچوبی برای تشکیل گروه‌های حافظ منابع طبیعی و توسعه پایدار)». *مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه*. تهران: دفتر ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۵)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- شاه ولی، م. و باژیان، غ. (۱۳۷۶)، «بررسی شوراهای سنتی عشایری به منظور تقویت شوراهای اسلامی روستایی و عشایری». *فصلنامه پژوهش*. شماره دوم.
- طالب، م. (۱۳۷۴)، «طراحی برای مدیریت روستایی». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. ۳۹:۴.
- طوسی، م. (۱۳۷۰)، *مشارکت (در مدیریت و مالکیت)*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- علوی تبار، ع. (۱۳۷۹)، *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- فرجی، ح. (۱۳۵۳)، *آرزوها و خواست‌های کارمندان شهرداری*. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- فرگوسن، ج. و یوشیو، ت. (۱۳۷۷)، *تحلیل آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. ترجمه: علی دلاور و سیامک نقشبندی. تهران: ارسباران.
- قاسمی، ح. (۱۳۷۸)، «شوراها بستر مشارکت مردمی». *مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه*. تهران: دفتر ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی.
- قاسمی، ع. و سعدی، ح. (۱۳۷۸)، «رویکردی بر زمینه‌های همکاری شوراهای اسلامی روستایی در مدیریت منابع طبیعی از دیدگاه کارشناسان منابع طبیعی». *مجموعه مقالات*



- اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه. تهران: دفتر ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- مدنی، ج. (۱۳۶۰)، *حقوق و وظایف شوراهای اسلامی*. تهران: بی‌نا.
- میسرا، آر.پی، (۱۳۶۵)، «مشارکت مردمی». *ماهنامه جهاد*. ۸۹:۳۳.
- ملک محمدی، ا. (۱۳۷۳)، *مبانی ترویج کشاورزی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هرسی، پ. و بلانچارد، ک. (۱۳۷۱)، *مدیریت رفتار سازمانی (کاربرد منابع انسانی)*. ترجمه علی علاقه‌بند. تهران: امیرکبیر.

- Allen, C., Vogt, R., & Ko, S. (1991), *Relationship Between Community Attributes and Residential Preference in Non-Metropolitan Nebraska*. Lincoln: University of Nebraska.
- Castle E. (1985), "The Forgotten Hinterlands". In: Emerye, Castle (ed.), *The Changing America Countryside: Rural People and Places*. University Press of Kansas: Lawrence KS.
- Drabenstott, M. (1999), *Rural America in a New Century*. USA: The Main Street Economist. Center for the Study of Rural America.
- Freshwater, D. (2001), "Rural America at the Turn of the Century: One analyst's Perspective." *Rural America*. Vol. 15, No. 3, pp 2-7.
- Hanson, V. (2000), "Democracy without Farmers". *Wilson Quarterly*. Vol. xxiv, No. 2, pp. 68-79.
- RDP (Rural Development Task Team) (1997), *Rural Development Framework*. USA: RDP & Land Reform Policy Branch.
- Shaffer, R. (1989), *Community Economics*. USA: Iowa State University Press.
- Swenson (2000), "Sowing Disaster". *FORUM*. Vol. 14, No. 3, pp. 48-54.
- Walkersville (2005), *Central Appalachian Roundtable, Policy Innovations for Sustainable Entrepreneurship*. USA: Rural Policy Research Institute.